

## سه رویداد، یک بستر!



### عبدالله شریفی

اس آئی اس را به رخ مردم تهران و مشهد و سنج و ... بکشاند و مردم ایران را دلداری دهند که روز رفاندوم برای براندازی رژیم اسلامی نزدیک است. واقعیت این است که نمایش انتخابات عراق در متن یک جنگ تمام عیار، بر زمینه اشغال نظامی عراق، در میان باروت و دود و ویرانی، زیر سر نیزه و آشوب میلیشای احزاب در جایی که از ابتدایی ترین سوخت و ساز اجتماعی، از امنیت و مدنیت خبری نیست، حتی برای گردانندگان صحنه هم جدی تلقی نمیشود، حتی هواداران همین نرم بیحقوقی رایج و استبداد زده حاکم بر بخشی از کره زمین هم این سناریو را حاضر نیستند انتخابات تلقی کنند، بی افقی آمریکا

پایان مضحکه انتخابات در عراق، سخنرانی سالانه بوش و سرانجام سفر رایس وزیر امور خارجه آمریکا به خاورمیانه سه رویدادی هستند که در ظرف یک هفته، نظر جهانیان را بخود جلب کرده اند. این سه رویداد اگرچه ظاهراً اخباری مجزا هستند، اما پیوند و ربط درونی غیر قابل انکاری آنها را در کنار هم قرار میدهد. ماشین تبلیغی، ژورنالیسم لشکری و کشوری به صف شدند تا این تحرکات سیاسی را در جهت ارباب مردم و آنطور که خود میخواهند منعکس کنند. به مردم ایران و جهان نوید دادند که قصد دارند دموکراسی نظم نوین را در عراق مسدود و محلول نگذارند، گفتند مایل نیستند که دموکراسی جاری در عراق را از مردم ایران دریغ دارند. در کنار این لشکرکشی تبلیغاتی، جریان دست راستی، "ناجیان" امتحان پس داده و پس نداده، ناسیونالیستها و قوم پرستان، فدرالیست خواهان و رفاندوم طلبان ایرانی و بومی، صف مفسران شکست خورده دو خردادی، در کنار هم صف کشیدند، با این اتفاقات جان تازه گرفتند و بر مردم ایران نازل شدند، تا تهدید بوش و کماندوهای

## سایه حکومت اسلامی از پس "انتخابات" عراق!



### حسین مرادیگی

سناریو به تکاپو افتاده اند. لیستی از احزاب و گروههای اسلامی، احزاب ناسیونالیست کرد، مشخصا جلال طالبانی، در بازار این بورس قرار گرفته اند. اینها که در کنار دولت آمریکا، سپاه چال فعلی را با

در حاشیه کاندید شدن جلال طالبانی برای پست ریاست جمهوری و یا نخست وزیری عراق بدنبال "انتخابات" چند روز اخیر عراق که ظاهراً با رای مردم "شرعیت" یافته است، هم اکنون فشار اسلام سیاسی برای شکل دادن به یک حکومت اسلامی و تحمیل آن به مردم و جامعه عراق بشدت بالا گرفته است و همزمان ساخت و پخت احزاب، گروهها و جریانها

## به استقبال ۸ مارس برویم! مصاحبه اسماعیل ویسی با هاله طاهری



با وجود خفقان و اذیت و آزار آنان همواره روبه تزیاید بود است. این جنبش و اعتراضات آن چه به لحاظ کمی آنجایی که به شرکت هر چه بیشتر زنان و مردان و شیوه های متنوع برگزاری مراسمها بر میگردد و چه به لحاظ کیفی در بیان ماگزیمالیستی خواستها

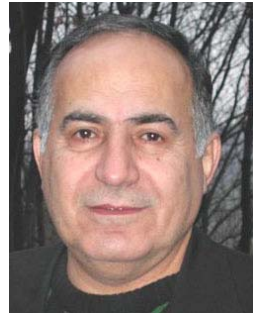
چه در سطح ایران؟  
هاله طاهری: ۸ مارس روز جهانی زن در راه است. برگزاری مراسمهای ۸ مارس در کردستان بنوعی به یک سنت اجتماعی جا افتاده جنبش برابری طلبی زن در تقابل با قوانین اسلامی ضد زن و فضای مرد سالارانه جامعه تبدیل شده است. بنظر شما تاکنون فعالین جنبش برابری طلبی زن و مراسمهای ۸ مارس در چه جهتی پیش رفته است، از این به بعد باید چه ابعادی بخود بگیرد، چه در سطح کردستان و

## در صفحات دیگر

فستیوال قاضی محمد در اربیل ( حفاری خرافه قوم و ملت پرستی)  
دادگاهی جلال حسینی و محمد عبدی پور



# آزادی، برابری، حکومت کارگری!



ایرج فرزاد

## فستیوال قاضی محمد در اربیل: حفاری خرافه قوم و ملت پرستی

و از جمله مشاور فرهنگی جمهوری اسلامی در انستیتوی فرهنگی کرد، بهرام ولدبیکگی، تهران شرکت داشتند.

در فستیوال قاضی محمد از

در فستیوالی که به نام فستیوال قاضی محمد در شهر اربیل، کردستان عراق، برگزار شد، تعدادی از "پرفسور" های کرد شناس، تحصیل کردگان "کرد" خارج و داخل

مساله کرد و فقدان ارائه يك راه حل متمدانه برای این معضل حل نشده در خاورمیانه بود. هیچکس از شرکت کنندگان، مطلقاً هیچکس، جرات این را نیافت که خود را با مساله کرد درگیر کند، شهامت نیافتند اقرار کنند که در طول تلاشهای سران و زعمای ناسیونالیسم کرد، این سرانجام منصور حکمت و **صفحه ۴**

### به استقبال ۸ مارس

و اهدافش رشد زیادی کرده است. تا همین جا پیشرفت این جنبش در مقایسه با درنده خوبی رژیم در مقابل آن به حلی بوده که جهان را از وجود خود و خواستهایش به درجات زیادی مطلع کرده است. امروز در ایران يك جنبش سکولار و برابری طلب با شعارهای «کفرآلود» در ۸ مارس در پارک لاله و میدان های شیراز و سنج و سقز در کنار دیگر اعتراضات دفاع از حقوق انسان به حرکت افتاده است. جا دارد که

### سه ریداد، یک بستر

در عراق، حضور جریانات اسلامی و در راس آن رژیم اسلامی ایران، در قالب نمایش انتخابات مورد معامله ای نامطمئن قرار گرفت. انتظار داشتند با این "انتخابات" با مشروعیت دادن واگذاری جنوب عراق، بخش شیعه نشین آن، که جریانات طرفدار رژیم اسلامی ایران در آن دست بالا را دارند، امتیازی داده باشند و سکوتی نتیجه گرفته باشند، اما قطعاً جمهوری اسلامی در این موازنه متوقف نخواهد شد و به دعوی خود برای کپی دیگری از جمهوری اسلامی در عراق ادامه خواهد داد. هم اکنون باند وابسته به سیستمی قوانین عراق را یکطرفه اسلامی اعلام کرده اند. با این روند، دامنه تخریب جامعه عراق ابعاد گسترده تری بخود خواهد گرفت. مسله بعد از "انتخابات" دور جدیدی از نا امنی و جنگهای قومی و مذهبی را با خود خواهد آورد. جنگ احزاب قومی و مذهبی و ملیشای احزاب برای سهم و موقعیت خود شروع خواهد شد. ناسیونالیسم عرب همچنان ناراضی و سرشکسته دلخوشی چندانی به این قضیه ندارد، نیروی این جنبش ارتجاعی

تلاشهای خستگی ناپذیر عباس ولی برای جمع آوری آثار مربوط به دوران ۱۱ ماهه حکومت جمهوری مهاباد و از جمله آنها جمع آوری ۶۳ شماره روزنامه کردستان قردانی شد.

در میان موج اعلام ارادت به جمهوری مهاباد و شخص قاضی محمد، و تملق متقابل در آستان خرافه قوم پرستی، آنچه که در پرده يك ابهام آگاهانه باقی ماند، اصل

خواهد شد که مزاحمتهای رژیم را برایشان کاهش دهد. در همین چند دور اخیر فستیوال آدم برفیها، روز جهانی کودک و دهها کمپین دیگر در دفاع از حقوق انسان در ایران و خارج کشور زمینه برگزاری علنی و وسیعتر این مراسمها را هموار کرده است.

اسماعیل ویسی؛ بنظر شما برگزاری مراسمهای ۸ مارس در کردستان، امسال چه ویژگی خاصی باید بخود بگیرد؟ چه انتظاری باید از ۸ مارس امسال داشت؟

هاله طاهری: ویژگی آن میتواند سراسری دیدن این روز باشد. سال گذشته مبارزات ۸ مارس به درجاتی در ایران سراسری شد. امسال امکان بیشتری برای شرکت همگانی مردم آن هست. به نظر من سازماندهندگان این روز با توجه به تجارب و فعالیتهای متشکل میتوانند مبتکر تماس و برگزاری کمیته های مشترک در سطح سراسری باشند. تماس با شهرهای بزرگ از جمله تهران و شیراز و ... و هماهنگ کردن و در صورت امکان

قانع شود. اما در واقع اظهارات بوش و غوغای تبلیغی حول آن هر چه که باشد، برای مردم ایران يك مسله مسجل است. مردم ایران رژیم اسلامی را نمیخواهند، مردم ایران میخواهند بساط این آدمکشان را برچینند، نفس تهدید به هر نوع جنگی، حتی اگر منجر به خود جنگ نشود ایجاد فضای نا امن و خطرناکی است که بخشی از جنگ علیه مردم محسوب میشود، امکان ماجراجویی بوش و شارون با پیشروی جنبش سرنگون کردن جمهوری اسلامی میسر و ممکن میشود. تضمین سرنوشت مردم ایران و آینده جامعه ایران، تنها در گرو دخالت مردم و سرنگون کردن رژیم اسلامی بدست خودشان میباشد. مردم باید با گسترش اعتراض و مبارزات شهری، با سازمانیافتگی و گسترش جنبشهای اجتماعی، با اعتراضات متحد به کل این سناریو و خادمان جیره خوار و بیجیره آن جواب دهند. بی تردید سرنگونی جمهوری اسلامی توسط قیام مردم، راهگشایی بسوی جامعه ای آزاد و برابر برای مردم ایران و نهایتاً خلاصی مردم عراق از این جهنم خواهد بود. □

۷ فوریه ۲۰۰۵

### سایه حکومت اسلامی...

مردم و جامعه نتیجه دیگری نخواهد داشت. سیستمی این "اسلام خوش خیم" هم آب پاکی بر روی دست کسانی که به "اسلام خوش خیم" امید دوخته بودند، ریخت. بعد از حکومت هار بعث ظاهراً نوبت حکومتی حکومت بعث، حکومتی مبتنی بر دموکراسی و تعدد احزاب را وعده میدادند اکنون "پیوند مذهب و دولت" هدف اصلی شان است.

ما گفتیم این "انتخابات" يك پیروزی برای اسلام سیاسی و باجی است از جانب دولت آمریکا به اسلام سیاسی در عراق، جالب اینکه سیستمی و جمهوری اسلامی از همه بیشتر اصرار داشتند که این "انتخابات" يك روز هم به عقب نیفتد! صحت این ادعا را هم اکنون داریم به عینه می بینیم. قاعدتا تا اینجا باید به خام اندیشان طرفدار "دموکراسی دولت آمریکا" نه آنهایی که خود جزو این پروژه هستند و رسیدن به نوایی را از این طریق تعقیب میکنند، بیش از هر زمان ثابت شده باشد که دخالت نظامی و حضور نظامی دولت آمریکا جز تقویت اسلام سیاسی در منطقه و همانطور که در عراق می بینیم جز رها کردن افسار گروههای اسلامی و قومی و عشیره ای به جان

مردم و جامعه نتیجه دیگری نخواهد داشت. سیستمی این "اسلام خوش خیم" هم آب پاکی بر روی دست کسانی که به "اسلام خوش خیم" امید دوخته بودند، ریخت. بعد از حکومت هار بعث ظاهراً نوبت حکومتی حکومت بعث، حکومتی مبتنی بر دموکراسی و تعدد احزاب را وعده میدادند اکنون "پیوند مذهب و دولت" هدف اصلی شان است.

ما گفتیم این "انتخابات" يك پیروزی برای اسلام سیاسی و باجی است از جانب دولت آمریکا به اسلام سیاسی در عراق، جالب اینکه سیستمی و جمهوری اسلامی از همه بیشتر اصرار داشتند که این "انتخابات" يك روز هم به عقب نیفتد! صحت این ادعا را هم اکنون داریم به عینه می بینیم. قاعدتا تا اینجا باید به خام اندیشان طرفدار "دموکراسی دولت آمریکا" نه آنهایی که خود جزو این پروژه هستند و رسیدن به نوایی را از این طریق تعقیب میکنند، بیش از هر زمان ثابت شده باشد که دخالت نظامی و حضور نظامی دولت آمریکا جز تقویت اسلام سیاسی در منطقه و همانطور که در عراق می بینیم جز رها کردن افسار گروههای اسلامی و قومی و عشیره ای به جان

## به استقبال ۸ مارس...

جنبش بیشتر کرده است. این فرصت را باید از دست نداد.

اسماعیل ویسی؛ با توجه به اینکه جنبش برابری طلبی زن در کردستان واقعیتی اجتماعی است، از حکومت اسلامی ضد زن و زن ستیز بگذریم که هر ساله به عناوین مختلف مانع برگزاری مراسمهای این روز است، جنبشها، گرایشها و جریانها اجتماعی مختلف بویژه در این دوره ناسیونالیسم کرد نیز تلاش میکنند که به حقوق جهانشمول زن رنگ و بوی ملی- قومی بدهند، بنظر شما فعالین اصلی و واقعی مدافعین حقوق برابری زنان چکار باید بکنند، تا بتوانند از منشا انسانی و حقوق جهانشمول زن حرکت کرده و این جو و فضا را بر مراسمها مسلط کنند؟ شعارها و خواسته ها چه میتواند باشد؟

هاله طاهری؛ در روز جهانی زن سنتا در سراسر جهان نمایندگان زیادی از گرایشها گوناگون به بی حقوقی زن اعتراض میکنند، مدافع حقوق زنان در ایران هم بیشتر و بیشتر میشوند که این خود مثبت است. اگر جنبشها و گرایشها دیگری در این روز میایند و اعتراض میکنند دلیل شرایط سختیست که دیگر مردم نمیتوانند در آن نفس بکشند و جامعه آماده انفجار است. هر چه بیشتر به جمهوری اسلامی و قوانینش فشار بیاید امکان دور کردن قوانین اسلامی و شیوه های زن ستیز از زندگی مردم بیشتر میشود. اما پاسخگویی برای بهبود وضع زنان و آلترناتیوهای تغییر وضع موجود متنوع و گوناگونند. اینجاست که گرایشها و افکار متفاوت درجه دوری یا نزدیکیشان را

امروز در این شهرها جوی رادیکال و با توقع ماگزیمال است. این کافیسیت که سازماندهندگان این مراسمها بیشترین نیروی مردم و بویژه زنان تشنه آزادی و برابری را پیرامون خود ببینند. عین این تجربه در سال ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹ طی دو سال در کردستان عراق اتفاق افتاد. در شرایطی که جریانها ناسیونالیست مشغول تقسیم حاکمیت بودند کمونیستها و فعالین برابری طلب در جامعه مشغول کار اجتماعی در میان مردم شده و هواداران زیادی پیدا کردند. در روز ۸ مارس ابتکار پلاتفرم حقوق پایه زنان در کردستان و سازماندهی رژه های هزاران نفره مردم در خیابانهای اربیل و سلیمانیه در دست سازمان آزادی زن و کمونیستها بود. برای اولین بار در تاریخ این سرزمین پلاتفرمی با خواستهای سکولار بر سر زبانها افتاد. در این دو حرکت بزرگ سازمان مستقل زنان موفق شد که به عنوان سخنگوی اصلی این جنبش اعتراضی هزاران نفر از مردم تشنه آزادی و برابری و دهها سازمان و جریانات فکری را به دنبال خود بکشاند. تقریباً همه سازمانهای زنان آنوقت پلاتفرم سازمان مستقل زنان را امضا کردند. من منظورم این نیست که امروز این شرایط در شهرهای کردستان موجود است، اما نقش چندین ساله سازماندهندگان محبوب و شناخته شده آن در ۸ مارس، سکولاریزه شدن خواستها و رادیکالیزه شدن مبارزات مردم امکان را برای ظاهر شدن گرایش برابری طلبانه به عنوان رهبر این

به دفاع بدون قید و شرط از حقوق کامل زن نشان میدهند. شعار برابری کامل زن و مرد بدون در نظر گرفتن هیچ گونه قید و شرط دینی، ملی و یا قومی، لغو همه قوانین اسلامی، لغو حجاب اجباری، لغو اعدام، آزادی بیان و تشکل و امکان سازی وسیع برای به میدان آمدن زنان در همه عرصه های اجتماعی از جمله بخشهایی از ادعانامه های این روز برای شرکت کنندگان آن میتواند باشد که البته باب طبع هر جریان و گرایش فکری نیست. اینکه ادعا کنیم که میکنیم حقوق زنان جهانشمول است، کردی و فارسی ندارد و با توقع بالا همه حقوق زن را درست همانطور که در اروپا خواهان آند بخواهیم برای ناسیونالیستها و جریانات سنتی خوشایند نیست. قرار است در این روز مثلاً ناسیونالیستها زنان را در جغرافیای کردستان به خاطر «کرد» بودن جمع کنند. میخواهند به آنها بقبولانند که ما در دیگری داریم، «ما» «با آنها» متفاوتیم و وعده دهند که اگر برای جنبش ملی آنها کار کنند سهمی هم از حق زیستن به زنان خواهد رسید. این را سالها در هزار شکل ریاکارانه جلو مردم گذاشته اند که خوشبختانه خریدار زیادی نداشته است. امروز آنها هستند که از قافله جا مانده و لنگان لنگان دست و پا میزنند تا خود را به این جنبش برسانند. سراسری دیدن این جنبش و سراسری کردن شعارهای جنبش زنان در این روز به همراه قطعنامه های سراسری از تهران تا سنندج جواب «نه» به عوامفریبی های این گرایشها است. ■

اینها و همچنین مساله جدا کردن کرکوک از نقشه کردستان عراق، اکنون "قدرت" را بو کرده، کاسه از آش داغتر شده اند. اشغال پست ریاست جمهوری و یا نخست وزیری دولت آینده عراق که عملاً قدرت بیشتری از رئیس جمهور دارد قطعاً برای جلال طالبانی حتی میتواند منشاء قدرت بیشتری از ریاست "هریم" (منطقه کردستان عراق) باشد که قرار است به مسعود بارزانی سپرده شود و یا به طریق اولی از پست نخست وزیر پارلمان کارتونی کردستان عراق فراتر باشد. جلال طالبانی میتواند در مقابل مسعود بارزانی زنگی کرده باشد یا نکرده باشد، این تغییری در صورت مساله که عبارت است از همکاری رهبران احزاب ناسیونالیست کرد در تحمیل دولتی اسلامی به مردم و جامعه عراق، البته با رعایت "دوز کردی" آن، نمیدهد. بعید است اینها ندانند که آینده چنین حکومتی، حکومتی اسلامی که در آن "کردها" نیز بخشی از این پروژه باشند، ائتلافی بشدت شکننده و نا

پایدار است. باوجود این، حرص و ولع اهداف مقطعی اینها را مثل هر بند و بست دیگری علیه آینده مردم کردستان عراق و مردم سراسر عراق، پای این ساخت و پاخت ها می برد. اینها بعد از همکاری با دولت آمریکا در حمله نظامی به عراق ظاهراً با شکل دادن به یک حکومت اسلامی همراه اسلام سیاسی "سالت" ارتجاعی و ضد بشری خود را تکمیل میکنند. مردم کردستان ایران و عراق، جلال طالبانی و سران ناسیونالیست کرد را که دارند برای تحمیل یک حکومت اسلامی به مردم عراق و کردستان عراق با نیروهای هار اسلامی ساخت و پاخت میکنند، نخواهند بخشید. این تلاش ارتجاعی از چشم مردم کردستان ایران و عراق مخفی نخواهند ماند. مردم کردستان ایران و عراق یک بار دیگر خود را در مقابل رهبران ناسیونالیست کرد می بینند که دارند علیه آینده و سرنوشت مردم یک جامعه بند و بست و توطئه میکنند. دارند در تحمیل پروژه ای به مردم عراق و کردستان عراق کمک میکنند که حاکمیت سیاه آن را مردم سالهاست در ایران و کردستان ایران تجربه میکنند، آن را هم اکنون در شهرهای عراق دارند تجربه میکنند. رهبران این احزاب بجای اینکه و میتوانند بخشی از این جامعه، کردستان عراق، را که لااقل مدینیتی در آن جاری است، حتی اگر شده مشروط، مستقل کنند و به خواست اکثریت مطلق مردم کردستان عراق در این مورد برای برگزاری رفراendum گردن نهند، دارند همین حداقل را نیز در جهنم حکومت اسلامی ذوب میکنند. مردم کردستان اینها را نخواهند بخشید. نه تنها اینها بلکه کسانی را که از هم اکنون برای رهبران ناسیونالیست کرد بخاطر این کار پیام تبریک میفرستند نیز



زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

## فستیوال قاضی محمد در اربیل ...

کمونیسم کارگری بود که راه حل اصولی برای حل مساله کرد را ارائه داد. شهامت نیافتند اعلام کنند که در طول تاریخ، ناسیونالیستهای کرد، خود به يك مانع در راه حل مساله کرد تبدیل شدند. جرات نکردند چون آگاهند که با حل اصولی و مدنی مساله کرد، بازار ناسیونالیسم و خرافه پروری قوم و ملت پرستی تخته خواهد شد و راه ارتزاق پرفسورها و دکترینها و کارشناسان کرد برای همیشه مسدود و مدارک و مدارج آنان از درجه اعتبار ساقط خواهد شد. در روزهایی که این فستیوال برگزار شد، در شهر کرمانشاه ایران يك کنگره يك روزه ادبیات کردی برگزار شد. در این کنگره نیز، بر "باستانی" بودن کردها و بعنوان اولین تشکیل دهندگان دولت ماد و بعنوان اصیل ترین قوم ایرانی تاکید شد و تاکید شد که جنگ جهانی موجب شد که کردها از سرزمین مادری خود،

کننده قبل از اینکه به راه حل مساله کرد فکر کنند، و یا درست تر بگویم با پیش فرض گره زدن مساله کرد به منافع دولتهای منطقه، هدفی جز پروردن يك باور خرافی به اسطوره های ناسیونالیسم تعقیب نکردند. انگار جمعی آمده اند تا در وصف قاضی محمد بعنوان يك امام ناسیونالیسم و قوم پرستی کردی، از جمهوری مهاباد، از روزنامه ها و بقایایش و از طریق حفاری شناسنامه هویت کردی، يك ضریح بنا کنند، يك مرقد و زیارتگاه مهندسی کنند و يك جایگاه ملکوتی و ماورا الطبیعه و رمزی برای تسلیم و از خود بیگانگی هر "کرد" بتراشند. درست همانگونه که امام چهارگانه و ۱۲ گانه و مرقد و ضریح امامان و شیوخ برای هر کسی که خود را "مسلمان" میدانند و یا مسلمانش مینامند، ساخته اند و طی سالها اذهان را با آنها خرافی کرده اند و بساط حوزه های "علمیه" و ممر تغذیه لشکر طفیلی های "مرجع تقلید" را از محل کار و رنج و

اما قوم پرست، صاحب خانه میشوند و حزب کمونیست کارگری عراق بیگانه و مورد تحریم و هجوم تبلیغاتی زهرآگین قرار میگیرد. دانشمندان کرد، در بنای ضریح و کعبه خرافات ناسیونالیستی و قوم پرستی مستقیماً شریک اند و بخش "منور" و آگاه سد و مانع در حل واقعی مساله کرد را بر عهده گرفته اند.

فستیوال قاضی محمد در شهر اربیل بخشی از مهندسی افکار برای پرتاب کردن مساله کرد تا حد يك خرافه ازلی شبه مذهبی و کوششی برای جاننشین کردن هویت جهانشمول انسان و حقوق مدنی شهروندان کرد. زبان با خرافه های قومی و ملی بود. اگر اکنون به راحتی میتوان از جدائی مذهب از دولت و آموزش و پرورش سخن گفت، جا دارد که خواست و پرچم استقلال حقوق مدنی و شهروندی انسانها و از جمله شهروندان کرد زبان از هویت خرافی ملی و قومی برافراشته شود. ■  
۹ فوریه ۲۰۰۵

## اطلاعیه شماره ۲۸ کمیته سقز حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست محمد عبدی پور یکی از دستگیرشدگان اول مه سقز دادگاهی شد!

صبح امروز یکشنبه ۱۸ بهمن ۱۳۸۳ برابر با ۶ فوریه ۲۰۰۵، محمد عبدی پور یکی از کارگران دستگیر شده در اول ماه مه سقز دادگاهی شد. محمد عبدی پور همراه با وکیل مدافع خود خانم مهشید و وکیلی دیگر به اسم خانم محمدی در دادگاه حاضر شدند. مسئول پرونده ایشان قاضی جدیدی به اسم آقای طیاره بود که اخیراً مسئولیت دادگاهی دستگیرشدگان سقز را به عهده گرفته است. طیاره جرایم محمد عبدی پور را نیز چون جرایم اعلام شده برای بقیه کارگران و دستگیرشدگان اول مه سقز، تجمع غیر قانونی و ارتباط با جریانات چپ اپوزیسیون جمهوری اسلامی اعلام کرد. فعلاً و در این جلسه حکمی از طرف دادگاه اسلامی رژیم به محمد عبدی پور اعلام نشده است.

طبق اطلاع قرار است در ۱۵ فروردین ۱۳۸۴ دور دوم دادگاهی برهان دیوارگر، محسن حکیمی و همچنین دادگاهی اسماعیل خود کام و هادی تنومند انجام گیرد. در میان کارگران چنین شایع است که بعد از دادگاهی این ۴ نفر دور دوم دادگاهی جلال حسینی، محمود صالحی و محمد عبدی پور نیز فوری انجام خواهد شد. کمیته سقز حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست ضمن محکوم کردن دادگاهی این ۷ نفر و پرونده سازیهای مراکز اطلاعاتی جمهوری اسلامی، هر نوع اعلام جرمی را علیه دستگیرشدگان سقز مردود میداند و مردم آزادیخواه و جریانات و نهادهای انسان دوست را برای دفاع از کارگران سقز فرامیخواند. کمیته سقز حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۸ بهمن ۱۳۸۳ برابر با ۶ فوریه ۲۰۰۵  
تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۷۴۸۵۷۵۴ آدرس  
مایل: khaledhaji@yahoo.com

## اطلاعیه شماره ۲۹ کمیته سقز حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست دادگاهی جلال حسینی امروز به اجرا در آمد!

امروز سه شنبه ۲۰ بهمن ۱۳۸۳ برابر با ۸ فوریه ۲۰۰۵، دادگاهی جلال حسینی یکی از کارگران دستگیر شده در اول ماه مه سقز به اجرا در آمد. جلال حسینی طبق قرار قبلی میبایست در تاریخ ۲۶ بهمن دادگاهی شود.

صبح امروز جلال حسینی همراه وکیل مدافع خود در دادگاه آماده شد. مسئول پرونده جلال حسینی که کسی به اسم طیاره بود جرایم جلال را "تجمع غیر قانونی و ارتباط با

جریانات چپ مخافل رژیم اعلام کرد.

طبق اطلاع قرار است در تاریخهای ۱۵ و ۱۶ فروردین ۱۳۸۴ کارگران و دستگیرشدگان اول مه سقز همگی دادگاهی شوند.

کمیته سقز حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست، اقدام مزدوران رژیم را مبنی بر دادگاهی و پرونده سازی برای کارگران سقز و اعلام هر نوع جرمی را شدیداً محکوم میکند.

کمیته سقز حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
۲۰ بهمن ۱۳۸۳  
۸ فوریه ۲۰۰۵  
تلفن تماس:  
۰۰۴۶۷۰۷۴۸۵۷۵۴  
آدرس ای میل:  
khaledhaji@yahoo.com

## اکتبر

سردبیر: عبدالله شریفی

تلفن: 0046736975226

Sharifi\_abdollah@yahoo.com

دستیار سردبیر: اسماعیل ویسی

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

دبیر کمیته: حسین مرادبیگی

h\_moradbeigi@yahoo.com

Tel: 00447960233954